

Organization

سازمان

Pars

پارس

Overthrow  
Committee

شورای براندازی



اردیبهشت ماه ۳۷۴۷ جمشیدی

گانه نامه

شماره ۸۰

مه ۲۰۰۹

1€

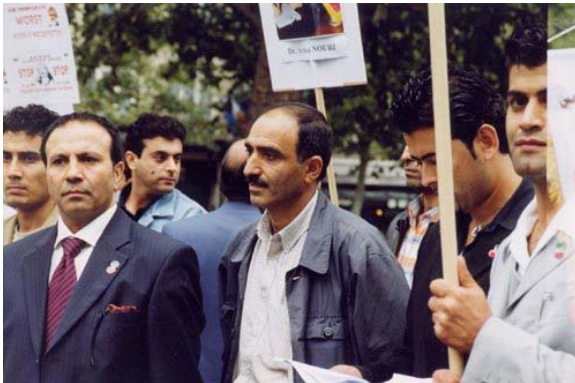
سال یازدهم





**حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرفراز دست خواهیم یافت.**

## پیام به کارگران و کارمندان



سخن امروز من با شما **کارگران و کارمندان** زحمتکش می باشد که به مدت سه دهه **زجر و شکنجه** و همچنین محرومیت اقتصادی - اجتماعی، در این حکومت سرمایه داری بنیادگرای اسلامی ضد انسانی، گریبانگیرتان می باشد.

کارگران و کارمندان عزیز ایران، ادامه **حیاتی بی فردا** با یأس و ناامیدی بس است. اکنون جامعه ایرانی وارد بحرانی ترین شرایط اجتماعی - اقتصادی در حکومت اسلامی شده است و دامنه این **نابسامانی** همواره **عمیقتر** شده، و تشدید فشارهای اقتصادی - اجتماعی روزافزون، منجر به محرومیت رفاهی هرچه بیشتر شما عزیزان می شود. در این شرایط **نابسامانی وظیفه ملی** - **میهنی** حکم می کند که در مسیر سرنگونی حکومت ضد انسانی اسلامی **مبارزه** کنید و در حمایت از جنبش براندازی عزم خود را به جزمی راسخ مبدل کنید و برای رسیدن به فردایی آزاد، مرفه، برای خود و هم میهنان خود وارد صحنه مبارزه شوید.

کارگران و کارمندان عزیز ایرانی، برای رسیدن به جامعه رفاهی، که در آن **عدالت اجتماعی** حکمفرما باشد و شوراها و همچنین **سندبکاهای کارگری** و صنفی بتوانند حافظ منافع

## فهرست

- ۱ **پیام به کارگران و کارمندان**
- ۳ **کارگران جهان متحد شوید**
- ۴ **دکترین اوباما در رابطه با منطقه خاورمیانه و سیاست او در قبال ایران**
- ۷ **تحریم انتخابات یک وظیفه ملی و مبارزاتی است**
- ۸ **گزارشی از تظاهرات ضد سرمایه داری اول ماه مه در مونترال کانادا**
- ۱۱ **مشتی که باز می شود یا مشت هایی که باید باز شوند**
- ۱۱ **جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست**
- ۱۴ **خبرها**

برون سراز این بارننگ آوریم

بیاتابوئیم و جنگ آوریم

قشر زحمتکش می باشد. بعد از براندازی و استقرار دموکراسی (مردم گرایی)، ما خواهان آن هستیم که کلیه افراد جامعه در کشورمان ایران، از **رفاه عالی** برخوردار باشند و ستم و استثمار فردی، دولتی و **زورگویی** به هر شکلی برای همیشه از جامعه ایرانی رخت بپندد. ما می دانیم که امروز طبقه کارگر و کارمند ایرانی جان به لب آمده، **آماده براندازی** حکومت امپریالیسم بنیادگرای اسلامی می باشد، و این هم با هماهنگی سازمان پارس و شورای براندازی امکان پذیر است.

حضور فعال و متشکل کارگران و کارمندان در کنار دیگر اقشار مردم ایران می تواند **جنبش براندازی** را نیرومندتر سازد، و در پی آن در زمانی بسیار کوتاه سرنگونی این **شیاطین استثمارگر** مذهبی را فراهم آورد، و در آن هنگام به یاری هم می توانیم ایرانی آزاد، آباد و سرافراز را پایه گذاری کنیم. در این شرایط حساس، پیوند نیروهای برانداز، دانشجوی، کارگر، کارمند، کشاورز، اصناف و کسبه و همه شیرزنان و آزادمدان میهنمان، می تواند با همبستگی و همیاری در کنار سازمان پارس و شورای براندازی، سرنگونی حکومت جبار اسلامی را سرعت بخشد. همانگونه که بارها گفته ایم **ایران اهورایی** چپ و راست نمی شناسد، ما برای استقلال و تمامیت ارضی و رفاه و عدالت اجتماعی در یک جامعه دموکراتیک ایرانی قیام کرده ایم و برای رسیدن به ایرانی سربلند، همه در کنار یکدیگر به مبارزه علیه **اهریمنان کژاندیش** با صلابت هرچه تمامتر خواهیم ایستاد.

امسال در اول ماه مه، فصل جدیدی در مبارزات توده های محروم ایران علیه امپریالیسم مذهبی آغاز خواهد شد. امسال کارگران و زحمتکشان ایرانی در اول ماه مه، می بایست با تجمعات میلیونی، فریاد مرگ بر حکومت اسلامی را سر داده و سرنگونی حکومت امپریالیسم مذهبی را در ایران را دنبال کنند.

از این پس به فرمان من، آرمان نوری روز اول ماه مه در ایران **تعطیل رسمی** خواهد بود. در چنین روزی مردم غیور و آزادیخواه ایران همراه با کارگران، زحمتکشان، اصناف و کارمندان **دوشادوش یکدیگر** به راهپیمایی خواهند پرداخت و در چنین شرایطی که خفقان، اختناق، ضرب و شتم و شکنجه و اعدام جواب فریادهای حق طلبانه شما می باشد، شعار مرگ بر حکومت اسلامی زمینه ساز **نابودی استعمار ملایان** در میهن اهورایی مان خواهد بود.

کارگران و زحمتکشان ایرانی باید بدانند تا زمانی که این امپریالیسم مذهبی بنیادگرا همراه با استعمار امپریالیسم جهانی، در حال مکیدن خون توده های زحمتکش و سایر اقشار ملت

کارگران و کارمندان باشند، باید روابط و ضوابط و قوانین حاکم در **حکومت ضد انسانی** و امپریالیسم اسلامی را به طور ریشه ای دگرگون ساخت تا نظامی نوین که بر پایه **دموکراسی** (مردم گرایی) بنیان نهاده می شود بر اقتصاد و روابط اجتماعی حاکم گردد. با توجه به شروع یکپارچه **اعتصابات کارگران** و کارمندان در سراسر کشور که زمینه ساز براندازی این **شیاطین مذهبی** خواهد بود، سازمان پارس و شورای براندازی از این حرکت منسجم ملی - میهنی شما حمایت کرده و اعلام می کند که چه در درون و خارج از کشور در کنار شما می باشد و صدای **اعتراضات حق طلبانه** شما عزیزان را به گوش جهانیان می رساند.

کارگران و کارمندان شریف ایرانی، برای رسیدن به رفاه و عدالت اجتماعی، می بایست از **مرز براندازی** عبور کرد، تا در پی آن بتوان با تصویب قوانین نوین کار، حقوق حقه همه کارگران و کارمندان تأمین گردد، و بعد از براندازی این حکومت ضد مردمی از شرایط بسیار عالی و مناسب رفاهی برخوردار خواهید شد، و مردم گرایی و **عدالت اجتماعی** حاکم بر روابط مابین دولت با مردم خواهد بود. تضمین کار و حقوق بیکاری و همچنین تأمین بازنشستگی از اولین پروژه های ایجاد قوانین کار می باشد، بهبود و **توسعه روزافزون** شرایط زندگی و حمایت از کارگران و سهامی کردن آنان در سود کارخانه در روند اهدای سهام کارخانجات به کارگران برای بازدهی بیشتر در امر تولید و سهام شدن بیشتر در بافت اقتصادی کشور به منظور بالا بردن میزان رقابت های تولیدی جهانی و در نهایت سود و دستمزد بیشتر، از مهمترین برنامه های دولت آینده ایران **بعد از براندازی** خواهد بود. همچنین ایجاد مسکن و تسهیلات بهداشتی و درمانی کافی برای کارگران و کارمندان، بقای **با افتخار** و استقرار باشکوه یک زندگی نوین را برای کارگران و زحمتکشان ایرانی به ارمغان خواهد آورد.

هر کارگر و کارمند در ازای **ارزش کاری خویش** از رفاه نسبی در شرایط عالی بهره مند می گردد و عدالت اجتماعی به صورت کامل رعایت خواهد شد. هر کارگر و کارمند در حداقل میزان شغلی از خوراک، پوشاک، مسکن و بهداشت در سطح مناسب بین المللی (جهان پیشرفته و مدرن) بهره مند خواهد شد، هدف ما بالا بردن سطح رفاه زندگی این قشر **زحمتکش** در سطح کشور می باشد. ما می خواهیم که شما بازوان چرخ اقتصادی ایران، در شرایط خوب رفاهی زندگی کنید و شرایطی به وجود بیآوریم که نگران از آینده خویش نباشید و یک **نظام باثبات اقتصادی** بر میهنمان حاکم گردد، چرا که یکی از نشانه های اقتدار دولت مردمی، ایجاد **شرایط مطلوب** و مناسب برای این

دوران بی فرهنگی و توحش رژیم می باشد که هرگونه ارزش اجتماعی خود را از دست داده است.

نظام جهانی سرمایه داری در کشورهای پیرامونی که در واقع تأمین کننده نیازهای مالی و مواد اولیه برای متروپل های امپریالیستی می باشند، استثمار شدید و چپاول بی حد و حصر را بر این کشورها تحمیل کرده است. تضمین چنین وضعیتی نیاز به یک رژیم نظامی و دیکتاتوری لجام گسیخته دارد تا از این طریق جنبش های انقلابی و اعتراض های توده ای را سرکوب نمایند. نمونه جمهوری اسلامی، نمونه ای نمادین در این زمینه است. در ایران فاشیست زده، کارگران و زحمت کشان علاوه بر تحمل بار کمر شکن بحران، با انبوهی مشکلات اقتصادی، شغلی و سیاسی روبرو هستند که در نظام حاکم راه حلی برای آنها وجود ندارد. رژیم جمهوری اسلامی خواست های کارگران را با زندان، شکنجه، شلاق، اعدام و در یک کلام سرکوب سیستمیک پاسخ می دهد. وجود دهها فعال جنبش کارگری در زندان های رژیم و احکام سنگین زندان و اعدام در این زمینه، بیان بارز ضد کارگری بودن آنست.

گاهی به بخشی از خواست های کارگران و زحمتکشان نشان می دهد که کارگران ایران فاقد حداقل شرایط برای کار و زیست هستند. دستمزد آنها ماهها پرداخت نمی شود، تأمین شغلی ندارند، سندیکا و اتحادیه ندارند، به دلخواه سرمایه داران اخراج می شوند، کارگران زن در بی حقوقی کامل بسر می برند، کودکان به شکل وحشیانه ای استثمار می شود و ... اینها تنها نمونه هایی از ستم و اجحافی است که نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی به کارگران اعمال می کند!

از این رو برای کارگران و زحمتکشان ایران، به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی، تنها راه نجات از ستم و استثمار وحشیانه سرمایه داران، سازماندهی خود حول برنامه و اهداف سوسیالیستی و حرکت متحد در جهت سرنگونی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی است. این رژیم طی ۳۰ سال حاکمیت مستبدانه نشان داده است که زبانی جز زبان قهر را نمی شناسد و تا زمانی که به حاکمیت ادامه می دهد، پاسخی جز ترور و خفقان به خواست کارگران ندارد. همه کوشش های رفرمیستی در جنبش کارگری تاکنون نه تنها کمترین نتیجه ای بسود کارگران و زحمتکشان نداشته بلکه عملاً توان انقلابی کارگران را به هرز برده و باین ترتیب به ادامه حیات رژیم کمک کرده است.

زنده باد اتحاد بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان علیه نظام سرمایه داری! مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

اول ماه مه ۲۰۰۹

ایران می باشند، هیچگونه تحول مثبت رفاهی و اجتماعی در ایران صورت نخواهد گرفت و از عدالت اجتماعی، برابری و آزادی در ایران خبری نخواهد بود. تجربه سه دهه استثمار حکومت امپریالیسم مذهبی در ایران، نشان می دهد که یگانه راه رسیدن به آرمان های انسانی و حفظ منافع زحمتکشان و کارگران و همه اقشار ایرانی، نابودی این حکومت دستاربنده، دزد و جانی خواهد بود.

انتظار داریم امسال همه اقشار مردم ایران در کنار کارگران و زحمتکشان در روز اول ماه مه تظاهرات میلیونی به راه بیندازند و شعار آرمان آزادی و مرگ بر حکومت اسلامی را فریاد زنند تا باشد که با یاری همیاری همه توده ها و اقشار جان به لب رسیده میهن اهورایی مان این دیوان و شیاطین مذهبی دست نشانده امپریالیست جهانی نابود گردند.

پاینده ایران

دکتر آرمان نوری

## کارگران جهان متحد شوید!

جابر کلیبی



اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان علیه نظام سرمایه داری!

اول ماه مه امسال، برای جنبش کارگری جهان دارای معنا و مفهوم ویژه ایست. بحران عمیق و



سراسری نظام سرمایه داری که خود را در ورشکستگی زنجیره ای مؤسسات، کارخانه ها، بانک ها و مراکز مالی نشان می دهد، پیش از هر چیز کارگران و زحمت کشان را هدف قرار داده و در نتیجه میلیونها

انسان بی کار و به فقر و مذلت کشیده شده اند. بحران علاج ناپذیر نظام سرمایه داری اولین بار نیست که این چنین انسان ها را به نابودی می کشاند. جنگهای جهانی و منطقه ای که برای پاسخگویی به بحران ها و نیازهای فزاینده سرمایه، تاکنون جوامع بشری را به نابودی کشانده است، کم نیستند. جنگ های جهانی اول و دوم و بی شمار جنگهای منطقه ای که هر روز شعله های آنها بخشی از دست آوردهای، فرهنگی، هنری و اجتماعی انسان ها را به خاکستر تبدیل کرده اند. بحران کنونی سرمایه داری،

برون سراز این بارنگ آوریم

بیاتابوئیم و جنگ آوریم

ارتباط جمعی و سیاستمداران کارکشته و حقوقدانان و اقتصاد دانان و روشنفکران **صهیونیست** بودند، با هدف کسب نقش بزرگ و حتی مسلط در جهان از طریق طرحهایی برای نظم نوین جهانی تشکیل شد.

گروه **بیلدربک** که بعد از جنگ جهانی دوم در آغاز با هدف بررسی مسائل فی مابین آمریکا و هلند در سال ۱۹۵۴ توسط پرنس برنارد و راکفلر رئیس هیئت مدیره شورای روابط خارجی آمریکا تشکیل شد، سپس با عضویت صاحبان **انحصارات مالی** و شرکتهای بزرگ صنعتی و تجاری و سیاستمدارانی نظیر **کیسینجر** و بسیاری از پادشاهان و اعضاء خاندانهای سلطنتی کشورهای اروپائی از انگلیس و اسپانیا و بلژیک و هلند و سوئد و دانمارک به عنوان اعضاء دائم آن با هدف حفظ منافع امپریالیستهای آمریکا و اروپا و کارتلها و تراستها و شرکتهای چند ملیتی در واقع تبدیل به کنفرانس دوجانبه آمریکائی، اروپائی شد. این گروه **حدود ۱۳۰ عضو** دارد و سالی یکبار جلسه دارند.

«شورای روابط خارجی آمریکا» و گروه بیلدربک در واقع بزرگترین مافیای سیاسی اقتصادی جهان را تشکیل می دهند.

در نخستین مرحله گزینش کمیسیون سه جانبه، ۲۰۰ نفر از بزرگترین صاحبان کارتل های چند ملیتی، مدیران برجسته تراست ها، بانکداران، سیاستمدارانی نظیر **کیسینجر** و **برژینسکی**، رؤسای سرویس های امنیتی نظیر **لرد ویکتور روچیلد** سوم از بنیانگذاران **انتلیجنس سرویس**، صاحبان و مدیران رسانه های بزرگ ارتباط جمعی و بسیاری اعضاء گروه بیلدربک انتخاب شدند.

دکترین **کمیسیون سه جانبه** دفاع از منافع تراست ها و کارتلها چند ملیتی است.

کمیسیون سه جانبه یک **شورای هماهنگی نیمه مخفی** از برجستگان مالی و اجرائی ایالات متحده و اروپای غربی و ژاپن است که هدفشان تعیین **هیئت های حاکمه** در آمریکا و سایر کشورهای جهان است. کمیسیون سه جانبه با سرمایه گذاری های بسیار در حزب دمکرات و جمهوری خواه در واقع گرداننده و کنترل کننده هر دو حزب هستند. می بینید که **انتخاب باراک اوباما** نیز بصورت گزینشی توسط «خبرگان، شورای نگهبان و شورای مصلحت» صورت گرفته است.

باراک اوباما به عنوان یک عضو «شورای روابط خارجی آمریکا» که روابط بسیار نزدیکی با **زیبگنو برژینسکی** داشته به همراه **هیلاری کلینتون** و **مک کین** در اجلاس آوریل ۲۰۰۸ کمیسیون سه جانبه شرکت داشته و هر سه نفر در این اجلاس مورد تأیید کمیسیون قرار می گیرند. هر چند نفرت بی حد و

## دکترین باراک اوباما در رابطه با منطقه خاورمیانه و سیاست او در قبال ایران

متن زیر خلاصه ای از سخنرانی رفیق مزدک بهار در جلسه حزب کار ایران (توفان) واحد استکهلم مورخ ۱۴ مارس ۲۰۰۸ است. رفیق ابتدا به مدت چهل دقیقه در مورد **دکترین اوباما** و سیاستهای کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیسم آمریکا در منطقه سخن گفت و سپس به سئوالات شرکت کنندگان پاسخ گفت. این جلسه پس از پنج ساعت بحث زنده و خلاق و دخالت همه رفقا در بحث با موفقیت به پایان رسید. اینک چکیده ای از گفتار رفیق را در زیر ملاحظه فرمائید.

نقل از توفان الکترونیکی شماره

۳۲ فروردین ۱۳۸۸ ارگان الکترونیکی حزب کارایران



با سلام به رفقا، همانطور که واقفید مدتهاست که تبلیغات سرسام آوری درمورد **باراک اوباما** و سیاست «**تغییر**» وی در مطبوعات و رسانه های جهانی از جمله در سوئد صورت گرفته و طوری نشان داده اند که گویا **فرشته نجات** از آسمان بر زمین نازل

شده است. مطبوعات و **مزدبگیران جیره خوار** ریز ودرشت امپریالیست آمریکا تا آنجا که در توان داشتند با جعل و دروغ انتخاب اوبامای سیاه پوست را **نمادی از دموکراسی** و آزادی واقعی تعریف کردند و هرچه دل تنگشان خواست به خورد مردم دادند. لیکن واقعیت این است که نحوه انتخاب آقای اوباما بعنوان رئیس جمهور آمریکا بی شباهت به شیوه انتخاباتی ایران در چهارچوب سیستم ولایت مطلقه فقیه نیست. خوب است قبل از اشاره به سیاستهای «تغییر» و دکترین اوباما، کلامی در این مورد بگویم. در ژوئیه ۱۹۷۳ **کمیسیون سه جانبه ای** که در برگیرنده نمایندگان از **آمریکا و اروپا و ژاپن** می باشد، توسط **دیوید راکفلر** و **زیبگنو برژینسکی** ایجاد شد. این کمیسیون ریشه در «شورای روابط خارجی آمریکا» و گروه **بیلدربک** دارد و اکثر اعضاء آن عضو این دو گروه هستند.

«شورای روابط خارجی آمریکا» در اواخر بهار سال ۱۹۱۸، با ۱۵۰۰ عضو که شامل صاحبان **کارتلها** و **تراستهای** نظیر مورگانها و راکفلر ها و بانکداران و صاحبان دستگاههای

صلح و آرامش حمایت کرده بودند ریخت. مک کین که با بمباران دهکده های **ویتنام** به عنوان جنایتکار جنگی به دست انقلابیون ویتنامی اسیر شده بود، از نظر او رهبری فداکار و شجاع و میهن پرست است.

سازمانها و جریانات ارتجاعی ایرانی نیز هریک به سهم خود به ارزیابی باراک اوباما پرداختند ... از **شونیستهای مزدور سلطنت طلب** گرفته تا **مجاهدین** و احزاب ناسیونال شونیست بومی بیم و امید خود را نسبت به روی کار آمدن اوباما ابراز داشتند. دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران مصطفی هجری با شم ضد انقلابی و خود فروختگی خود در ارزیابی از سیاستهای خاورمیانه ای آمریکا بعد از انتخاب اوباما تأکید می کند که تغییری در کار نیست. او می گوید: « آمریکا ... در اندیشه پیاده کردن یک برنامه **استراتژیک** به منظور ایجاد **تحول اساسی** در فرهنگ ارتجاعی، بیسوادی، فقر، استبداد و پیاده کردن گام به گام **دمکراسی** بود. این برنامه تحت عنوان « طرح **خاورمیانه بزرگ**» انتشار یافت و در راستای عملی نمودن آن اقدامات بسیاری انجام شد ... و لازم است **حاکمیتهای استبدادی** و متمرکز از بین بروند و حاکمیت در میان مردم تقسیم گردد... این طرح، اگرچه در منطقه با موانع فراوانی روبرو شد و روشن است که به این آسانی نیز پیاده نخواهد شد و به مرور مسکوت گذاشته شد، اما بدون تردید کنار گذاشته نشده و در زمان مقتضی و به روش مناسب روی آن کار خواهد شد. مقصود از این مقدمه این است که استراتژی مذکور یک استراتژی ثابت آمریکا به ویژه در خاورمیانه است و دمکرات و جمهوری خواه، هیچ یک از آن تخطی نمی کنند و تنها تفاوتی که وجود داشته باشد در تاکتیک و روش پیاده نمودن این سیاست بین المللی است.

آقای هجری که سیاست **غارت** و **چپاول ذخائر انرژی** منطقه خاورمیانه از طریق لشکرکشی و به خاک و خون کشیدن مردم را، **مبارزه با فرهنگ ارتجاعی** و بی سوادی و فقر و استبداد معنی می کند و **تجزیه کشورهای منطقه** و روی کار آوردن نوکران استعمار را، از بین بردن تمرکز و تقسیم حاکمیت بین مردم قلمداد می کند، با شناختی که از ماهیت اربابان امپریالیستش و استراتژی آنها دارد، امیدوار است در زمان مقتضی و به روش مناسب، سبوتی بشکند و ماستی بریزد و جهان گردد به کام کاسه لیسان ...

**تأکید اوباما** به **حمایت از اسرائیل** و تأیید تجاوز اسرائیل به غزه تحت عنوان حق دفاع در مقابل پرتاب موشک حماس، تحریم حماس و حزب الله لبنان تحت عنوان مقابله با تروریسم و

حصر مردم نسبت به **سیاستهای ویرانگر** و **جنگ طلبانه** بوش و جمهوری خواهان لزوم تغییراتی ظاهری از طریق برگزیدن خدمتگزاری مقبولتر و عوام فریب تر را ارجح و الزامی می داشت ... بدا به حال جریانات خودفروخته ای که این سیستم گندیده انتخاباتی را که منافع اقلیت کوچکی مردم را نمایندگی می کند، عین **دموکراسی** و انتخاب مردمی جلوه می دهند ...

اما **علت انتخاب باراک اوباما** را باید از این دریچه مورد نقد و تحلیل قرارداد که امپریالیسم آمریکا که رویای **جهان تک قطبی** و سلطه بلا منازع و پیروزی تمام عیار نئولیبرالیسم و جهانی بدون مخالف و رقیب در مخیله داشت که در آن نقش ارباب و یکه تاز جهانی داشته باشد و **بزرگترین امپراتوری جهان** را بسازد، با شکست سیاستهای تجاوزکارانه اش در عراق و افغانستان و لبنان و فلسطین و در کل خاورمیانه که محصول جنبش مقاومت مردمی و جنبشهای ضد امپریالیستی و ضد جنگ و ضد نژادپرستی و افکار عمومی مردم جهان است، مجبور به تغییر در تاکتیک و **بازسازی چهره کریه** و منفورش است و طبعاً این مأموریت باید به مناسبترین نامزد واگذار شود .

**اوباما** را آنطور که واقعاً هست، یعنی **نماینده طبقه حاکم سرمایه داری** آمریکا، کارتل ها و تراست ها و وال استریت باید دید و مورد ارزیابی قرار داد. او کندی و کارتر و کلینتون دیگری است و همانطور که کلینتون از تهاجم به **یوگسلاوی** و تکه پاره کردن آن و تحریم اقتصادی ده ساله **عراق** در جنگ اول ۱۹۹۰، که منجر به کشته شدن ۵۰۰۰۰۰ کودک شد و راه اندازی انقلابات مخملی لحظه ای تردید نکرد، اوبا ما هم در انجام چنین اقداماتی تردید نخواهد کرد!

متوهم کردن بخشی از توده ها به نقش و تأثیر فردی شخصیتها و ارزیابی افراد بر مبنای شخصیت و ویژگیهای فردی و کاریز ماتیک و رنگ پوست آنها، اغتشاش در صفبندی طبقاتی است.

واکنش مثبت وال استریت به انتخاب اوباما با افزایش ۴ درصدی **ارزش سهام**، پیامهای تبریک بوش و مک کین و گوردون براون و سارکوزی و آنگلا مرکل و اشک شوق کالین پاول همه نشاندهنده این است که آنها بدرستی می دانند تغییری در ماهیت و استراتژی امپریالیستی در کار نیست و کوچکترین اقدامی **بر خلاف منافع طبقاتی** آنها صورت نخواهد گرفت!

اوباما با فداکار و شجاع خواندن **مک کین** و قدردانی از خدمات میهن پرستانه او در همان ساعات نخست آب پاکی را روی دست طرفداران **جنبش ضد جنگی** که از او به امید برقراری

در مورد **افغانستان** به دلیل اینکه بیش از هشتاد در صد افغانستان هنوز تحت کنترل **طالبان** است، افزایش نیروهای نظامی را در نظر دارد و قصد دارد همان سیاست شکست خورده بوش را ادامه دهد. آمریکا بخاطر انتقال لوله های نفت و گاز از آسیای مرکزی به افغانستان و **کنترل انرژی** در این منطقه و محاصره **چین** و **روسیه** و **ایران** به اشغال افغانستان دست زده است. دلایل اصلی گسیل نیروی نظامی و انتقال سربازان آمریکایی از عراق به افغانستان که توسط اوباما طرح شده است در همین چهارچوب قابل بررسی است. آمریکا با کنترل نفت و گاز آسیای مرکزی، **خلیج فارس** و استقرار پایگاههای نظامی در این مناطق استراتژیکی سرکردگی خود را بر سایر رقبای امپریالیستی تأمین خواهد کرد و اوباما نیز در همین جهت گام بر می دارد. اوباما در تلاش است تا با جذب بخشی از طالبان (ننو طالبان) و تشکیل **حکومت ائتلافی** با **حامد کرزای** به حل بحران افغانستان بپردازد. اگر بی ثباتی در افغانستان به همین شکل ادامه یابد و **سیاست سازش** با بخشی از طالبان به شکست بیانجامد، آمریکا به **تعویض مهره** اقدام خواهد کرد و نوکر دیگری را بجای حامد کرزای بر مسند قدرت خواهد نشاند ...

اجازه تهاجم نظامی اوباما به **پاکستان** و نقض حاکمیت آن و کشته و مجروح کردن دهها **غیرنظامی** تحت عنوان مقابله با **تروریسم** نشاندهنده پیگیری همان سیاستهای گذشته در مورد این کشور است.

در مورد **ایران** بعد از شکست سیاستهای تهدیدآمیز نظامی و **جنگ روانی هشت ساله** و بی تأثیر بودن چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و تحریمهای اقتصادی و نظامی، اوباما مدعی است سیاست او بیشتر به **دیپلماسی** متکی است و خواستار **مذاکره بی قید و شرط** است، هر چند که بکارگیری سیاستهای دیگر را هم نادیده نمی گیرد.

در کل سیاست خاورمیانه ای اوباما ادامه همان اهداف راهبردی امپریالیستی با روشهای متفاوت است. اوباما، از یک سو با طرح مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی و پذیرش ضمنی قدرت منطقه ای ایران، تضمین ضمنی امنیت جمهوری اسلامی و وعده **لغو تحریمها** و برقراری مجدد روابط دیپلماتیک... قصد کنار آمدن و **معامله کردن با رهبران جمهوری اسلامی** را دارد. از سوی دیگر با سیاست دیپلماسی فعال و توأمان با ادامه تحریم اقتصادی، می کوشد به تشدید تضادها و شکاف در حاکمیت جمهوری اسلامی و تضعیف آن دامن زند تا سرانجام جمهور اسلامی را رام کرده و **منافع خود** را در ایران تأمین نماید...

تحریم اجلاس ضد نژاد پرستی دوربان ۲ در اعتراض به مواضع این اجلاس در قبال اسرائیل، انتخاب **رام امانوئل** عضو ارتش اسرائیل به عنوان رئیس کارکنان کاخ سفید. انتخاب **جوزف بایدن** به عنوان معاون ریاست جمهوری که از طرفداران سرسخت صهیونیسم است. او به خاخام مارک گلوب در شبکه تلویزیونی شالوم می گوید: « من یک صهیونیست هستم. برای صهیونیست بودن حتماً نباید یک یهودی بود ». همگی تأیید کننده حمایت بی چون و چرا و استراتژیک از رژیم صهیونیستی اسرائیل است. در چهارچوب این استراتژی **اوباما** می خواهد **اسرائیل** را متقاعد کند که اگر **دولت ائتلافی** به نمایندگی از سازمان حماس و **محمود عباس** در قالب یک فلسطین ده درصدی، فلسطین بی یال و دم و اشکم و تحت کنترل کامل اسرائیل و جامعه «جهانی» تشکیل گردد، **بمنافع استراتژیک آمریکا** و حتی اسرائیل در منطقه خواهد بود ...

... در مورد **عراق** سیاست اوباما اجرای طرح بیکر، همیلتون نمایندگان جمهوری خواه و دمکرات است که توسط **بوش** رد شد. مطابق این طرح نیروهای نظامی آمریکا بتدریج از عراق خارج و به افغانستان و یا سایر پایگاههای نظامی منطقه منتقل شده و در صورت لزوم بازگردانده می شوند. اوباما قبل از انتخابات **وعده** داده بود که نیروهای آمریکا را از عراق خارج سازد. در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری زبان اوباما کمی تغییر کرد و وعده داد در طول ۱۶ ماه قوای آمریکا را از عراق بیرون آورد. اما اکنون که گرد خاک انتخابات ریاست جمهوری خوابیده سخن از ادامه حضور قوای آمریکا تا حداقل سه سال می رود و تنها ۱۲ هزار سرباز آمریکایی قصد **ترک عراق** و مستقر شدن در افغانستان را دارند ... حقیقت این است که اوباما قصد ترک عراق را ندارد لیکن از طرفی هم نمی تواند سیاست تمام عیار و استعمار کهن جرج بوش و رامزفلد در عراق را ادامه دهد. یک عراق به ظاهر مستقل اما نیمه مستعمره با شرکت امپریالیستهای فرانسوی و آلمانی ... و در غارت عراق به سرکردگی آمریکا، دکتترین جدید اوباما در عراق را بازتاب می دهد. سفرهای اخیر سیاستمداران بلندپایه آلمانی و فرانسوی به عراق و ابراز علاقه و خشنودی نسبت به سیاستهای اوباما در « حل » مسئله عراق، نشان از **استعمار جمعی امپریالیستها** به سرکردگی آمریکا در عراق دارد... همکاری خائنه رژیم ایران با آمریکا در عراق نیز کمکی به حال متجاوزین آمریکایی و شرکاء نخواهد کرد و با شکست روبرو خواهد شد ...

نماید که در عمل تابع فرامین حاکمیت و نهایتاً فرمانبر بی چون و چرای شخص ولایت مطلقه فقیه باشد.

آنچه که امروز رژیم اسلامی بدان چشم دوخته، چون گذشته های دور و نزدیک همانا حضور مردم در صحنه انتخابات و تشکیل صفهای نمایشی است تا از این طریق به جهانیان تفهیم و القا نماید که هنوز مشروعیت و مقبولیت حداکثری را در میان افشار مختلف مردم داراست. در واقع رژیم اسلامی قبل از اینکه به رأی و نظر مردم نیاز داشته باشد که فرضی بکلی باطل است، به حضور مردم بمثابه ابزار مقبولیت و مشروعیت نیاز دارد. این است که همه دست اندرکاران رژیم و کلیه وابستگان داخلی و خارجی آن، از به اصطلاح روشنفکران آنچنانی گرفته، تا بعضی برنامه سازان و مدیران تلویزیونهای لوس آنجلسی و لندن، و مبلغین سیاسی و حقوق بگیران کراواتی و عمامه دار و بی عمامه و غیرو خواسته تا با تمام قدرت و صلابت تبلیغی وارد عرصه شده و با هر وسیله و طرفند ممکن زمینه لازم برای فریب مردم را برای حضور در انتخابات خرداد ۸۸ فراهم بیاورند. در چنین شرایطی است که مشاهده می شود، ابر و باد و مه و خورشید رژیم با هر امکان و وسیله ممکن وارد معرکه شده تا با نوعی سیاه باز سیاسی و مشاطه گری خاص خودشان زمینه فریب مردم و نهایتاً ادامه حیات رژیم را تأمین نمایند.

در چنین شرایط خطیر و سرنوشت سازی، وظیفه ما ملت ایران است که با چشمی باز، و شعوری در خور ملتی با فرهنگ، مراقب بازیهای باشیم و بدانیم که یگانه راه مقابله با همه این بازیها و مشاطه گریها در مقابل رژیمی تا بن دندان ضد ایرانی و مخرب و چپاولگر نشستن در خانه را بر هر حرکت دیگری ارجح بدانیم.

راه همین است و بس. ما ملت خسته و همه چیز از دست داده باید روز ۲۲ خرداد ۸۸ را که می تواند نقطه عطف و تأثیرگذار در مبارزات مدنی و سراسری ملت تلقی شود، بدون هراس از هرگونه تبلیغاتی، منجمله اینکه اگر در شناسنامه مان مهر انتخابات نخورد، چه خواهد شد و چه، و اینکه اگر در انتخابات حضور نیابیم فرزندانمان فرصت دانشگاه رفتن و چه و چه را از دست خواهند داد، یا اگر در انتخابات شرکت نکنیم موجبات اخراج و محرومیت اجتماعی مان را باعث خواهد شد، و...! را نخوریم و روز ۲۲ خرداد ۸۸ را به فضائی قبرستانی برای رژیم بدل نمائیم.

ملت ایران باید با درک حقایق ملموس که امروز گریبان رژیم اسلامی را گرفته به وظیفه ملی و میهنی خود آگاه باشد و

اینکه هم اکنون تجاوز نظامی به ایران منتفی است، اینکه تحریم اقتصادی ادامه خواهد یافت، اینکه جمهوری اسلامی بدنبال کسب تضمین امنیت توسط آمریکا است و می کوشد بعنوان یک قدرت سیاسی در منطقه نقش بازی کند، اینکه آمریکا تا منافعش بطور کامل در منطقه تأمین نگردد دست از سر ایران بر نخواهد داشت... بر کسی پوشیده نیست...

یا با مردم علیه امپریالیسم و یا با سازش با امپریالیسم علیه منافع مردم. جمهوری اسلامی از آنجا که دشمن سوگند خورده مردم ایران است برای حفظ موقعیت طبقاتی خویش با آمریکا خواهد ساخت و بقای خویش را نیز در زد و بند با امپریالیستها و بویژه آمریکا در منطقه می بیند. دکترین اواما تاکتیک جدید امپریالیست آمریکا برای تأمین منافع استراتژیک این ابرقدرت جنایتکار در منطقه است و وظیفه حزب ما و تمامی نیروهای انقلابی است که این سیاست را افشا کرده و بر خواست خروج امپریالیستها از منطقه و بر خواست خلع سلاح اتمی کشورها در منطقه .. تأکید ورزند. چنین سیاستی بسیج کننده است و مورد حمایت توده ها قرار خواهد گرفت ...

## تحریم انتخابات، یک وظیفه ملی و مبارزاتی است



آرش صبحی

آنچه مسلم بنظر می رسد، اینکه رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی که همه مشروعیت داخلی و خارجی خود را از دست داده، قبل از اینکه به رأی و نظر مردم نیاز داشته

باشد، به صفهای طویل مردم در بازی انتخابات چشم دوخته تا از این رهگذر بتواند مشروعیت از دست رفته خود را که بحق هم از دست داده به هر طریق ممکن بدست بیاورد. تجربه سه دهه گذشته مبین این حقیقت است که رژیم اسلامی هیچگاه نتوانسته و نخواسته است تا به آراء مردم ایران تمکین نماید و در هر نمایشی تحت عنوان انتخابات تلاش نموده تا از همان حضور حداقلی مردم که عمدتاً در زمره حقوق بگیران و جیره خواران درون حاکمیتی و امت همیشه در صحنه هستند نیز استفاده نامشروع نماید و عناصر و مهره هائی را از صندوق انتخابات خارج

امپریالیستی از تجدید خاطره کارگران جان باخته در اول ماه مه ۱۸۸۶، هراس دارد و **اول سپتامبر** را جایگزین آن کرده است. تظاهرات اول ماه مه در **مونترال** امسال نیز در دو مکان و با دو محتوای متفاوت انجام گرفت: تظاهراتی که توسط نیروهای انقلابی در مرکز شهر مونترال آغاز گشت و پس از پیمودن خیابان اصلی به سوی مرکز صندوق باننشستگی کبک، که در ماههای اخیر با حیف و میل میلیاردها دلار (۴۰ میلیارد دلار) پول کارگران، توسط مسئولان آن، تبدیل به مظهر چپاول سرمایه داری شده است، به حرکت درآمد و دیگری که توسط سندیکاها و احزاب رفرمیست و بورژوازی جریان یافت.

در تظاهرات امسال نیروهای انقلابی، شرکت سازمان های سیاسی تمول های **سریلانکا** که علیه سرکوب **نیروهای استقلال طلب** و مردم عادی این مناطق توسط رژیم ارتجاعی حاکم، بسیج شده اند، چشم گیر بود.

در **سال گذشته** تظاهرات مستقل نیروهای انقلابی به مناسبت اول ماه مه که در **محل کارگری** و فقیرنشین شهر مونترال انجام گرفت و پس از مدت زمان کوتاهی با **یورش پلیس** مواجه شد، افکار عمومی را به شدت علیه پلیس بسیج کرد. از این رو امسال بدون اغراق تعداد شرکت کننده **سه برابر** سال گذشته و بیش از ۲۰۰۰ نفر بود.

انبوه تظاهرکنندگان و نیز تجربه تلخی که پلیس از یورش سال گذشته کسب کرده بود مانع جلوگیری از تظاهرات توسط پلیس گردید و با وجود نیروهای ضد شورش که در خیابان های اطراف تظاهرات به نحو تهدید کننده ای متمرکز شده بودند و سپس به دنبال تظاهرات براه افتادند، شرکت کنندگان در تظاهرات با **شعارهای ضد سرمایه داری** و افشاء کننده عواقب بحران، ضد امپریالیستی، ضد جنگ، دفاع از مردم کشورهای که مورد هجوم نظامی دولت های امپریالیستی قرار گرفته اند، بویژه عراق و افغانستان، مردم را به سوی خود جلب نمودند.

**استقبال مردم عادی** در مرکز شهر چنان بود که اغلب آنها با مشت های گره کرده **همبستگی** خود را با تظاهرات اعلام می کردند. تظاهرات با متینگ عظیمی در مقابل ساختمان مرکز صندوق باننشستگی کبک که طی آن سازمانهای سیاسی بحث ها و مواضع خود را اعلام نمودند، با سرود انترناسیونال پایان یافت.

در زیر تصاویری از تظاهرات را مشاهده می کنید.

بر این مهم وقوف یابد که با تحریم جدی و گسترده انتخابات امکان هرگونه مانور مشروعیت بخشیدن به نظام اسلامی را از این رژیم وامانده، **جابر و خونخوار** سلب نمایند. تردیدی نیست که جهانیان خصوصا **آقای باراک حسین اوباما** رئیس جمهور آمریکا و دیگر رهبران غرب در چنین فضائی چشم به فضای سیاسی مملکت ما خواهند داشت، که عدم حضور گسترده ما ملت ایران در روز انتخابات می تواند جهانیان را متوجه عدم مشروعیت و مقبولیت رژیم اسلامی از سوی ملت ایران نماید.

هموطن، ای **ایرانی پاكتهاد**، ای ایرانی خسته و بستوه آمده و درمانده، بیایید روز ۲۲ خرداد ۸۸ را به روز انزوا و مرگ محتوم **رژیم غارتگر و خونخوار اسلامی** بدل نمائیم. بیایید در یک اقدام یکپارچه و بدون هزینه، با خانه نشینی در روز انتخابات امکان هرگونه مانور مشروعیت را از رژیم اسلامی سلب نمائیم، تا جهانیان دریابند این رژیم تبلور رأی و نظر ملت ایران نبوده و نیست و نخواهد بود.

۱۵/اردیبهشت ۸۸

## گزارشی از تظاهرات ضد سرمایه داری اول ماه مه در مونترال – کانادا

پروانه قاسمی

جابر کلیبی

امسال نیز در مونترال، سازمان ها و احزاب انقلابی کانادایی در **اول ماه مه**، تظاهرات مستقلى از سندیکاهاى رسمى برگزار کردند (در **کانادا** تعطیل رسمی و جشن کارگری، نه اول ماه مه بلکه اول سپتامبر است؟). انتخاب اول سپتامبر به جای اول ماه مه در آمریکای شمالی به هیچ وجه تصادفی نیست و **معنای سیاسی** معینی دارد. همانطور که می دانیم برگزاری روز کارگر در اول ماه مه به مناسبت اعتصاب کارگران شیکاگو در ایالات متحده آمریکا در **سال ۱۸۸۶** است که طی آن هزاران کارگر برای خواست های خود، از جمله کاهش ساعت کار و افزایش دستمزد به خیابانها ریختند.

پلیس با یورش وحشیانه به تظاهرات، ان را به خاک و خون کشید و این روز به عنوان نقطه عطفی در تاریخ **مبارزات کارگری آمریکا** و **جهان** تبدیل گردید. از آن پس، اول ماه مه به عنوان روز اعتراض بین المللی کارگران به نظام استثمارگر سرمایه داری و بیان **همبستگی جهانی** نیروی کار گردید. درست برای به فراموشی سپردن **وحشیگری پلیس** امریکاست که بورژوازی

## مشتی که باز می شود یا مشت هائی که باید باز شوند!!

(درباره رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا)



از زمانی که **هیلا ری کلینتون** وزیر خارجه جدید دولت آمریکا رسماً اعلام نمود که « ما دستمان را بسوی جمهوری اسلامی دراز می کنیم و انتظار داریم آنها نیز مشت خود را باز کنند»، اکثر خبرگزاری ها چنین گزارش دادند که « یخ » روابط به اصطلاح منجمد دو دولت دارد آب می شود. در همین راستا **دیدارهای اخیر** دیپلمات های آمریکائی با نمایندگان جمهوری اسلامی و همچنین **پیامی** که **اوباما**، رئیس جمهور آمریکا به مناسبت **نوروز** داد، از سوی خبرگزاری ها به مثابه نشانه های روشنی از این تغییر و **گرایش** دولت جدید آمریکا به « تعامل » و مذاکره با رهبران رژیم جمهوری اسلامی در افکار عمومی گزارش داده شد.

در رابطه با این ادعا، **دیدار نمایندگان ناتو** با جمهوری اسلامی که از آن به عنوان **اولین دیدار** « از زمان رژیم شاه » نام برده شد، دعوت از جمهوری اسلامی به کنفرانسی که آمریکا در رابطه با افغانستان در **هلند** برگزار نمود، دیدار « **محمد مهدی آخوندزاده** » معاون آسیا - اقیانوسیه وزارت خارجه ایران و « **ریچارد هولبروک** » فرستاده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان، اظهارات **هیلا ری کلینتون** که این دیدار را « مثبت و سازنده » توصیف نمود، ملاقات **دیپلمات های دو کشور** در روسیه در جریان کنفرانسی که تحت حمایت سازمان همکاری شانگهای در مسکو بر گزارش، اعلام این خبر که ممکن است دولت آمریکا سیاست خود مبنی بر مخالفت با **غنی سازی اورانیوم** بوسیله جمهوری اسلامی را تغییر دهد و بالاخره درخواست استفاده از خاک ایران جهت **انتقال تجهیزات** به نیروهای غرب در افغانستان همگی جلوه هائی از تغییر روابط فی مابین ایران و آمریکا تلقی می شوند.

### تظاهرات روز کارگر در مونتreal کانادا



به نقل از پیام فدایی  
ارگان چریکهای فدایی خلق ایران  
شماره ۱۱۸  
فروردین ماه ۱۳۸۸

اسلامی با دیپلمات‌های آمریکا همواره ادامه داشته و در این دیدارها بر علیه سرنوشت مردم ایران و منطقه تصمیم گرفته شده است. حتی در زمان دولت بوش که رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت از «گزینه نظامی» جهت جلوگیری از «اتمی» شدن جمهوری اسلامی سخن می‌گفت نیز همواره مبادلات و مذاکرات دیپلماتیک فی مابین دو دولت برقرار بود.

نگاهی به تاریخ روابط بین جمهوری اسلامی با دولت آمریکا نشان می‌دهد که اتفاقاً اولین بار دیدارهای خمینی بهشتی، بازرگان، موسوی اردبیلی و... با نمایندگان آمریکا در سالهای ۵۶-۵۷ بود که راه به قدرت رسیدن این دار و دسته جنایتکار را هموار نمود، و امروز دیگر جای انکار نیست که جمهوری اسلامی به مثابه رژیم جانشین رژیم شاه اساساً بوسیله امپریالیست‌ها در کنفرانس گوادالوپ جهت سرکوب انقلاب ایران تعیین و با کمک آنها به قدرت رسید و طبیعتاً نیز به مثابه رژیمی وابسته به امپریالیسم آنچه در تمامی این سال‌ها انجام داده در همان خطی بوده که منافع امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا ایجاب می‌کرده است. بر این اساس بزرگترین جعل تاریخ این است که فکر کنیم در تمام این سال‌ها رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مستقل از امپریالیست‌ها حرکت می‌کرده و به مثابه یک رژیم مستقل سیاست‌هایش را نه بر اساس منافع امپریالیست‌ها بلکه بر مبنای مصالح خود تعیین می‌کرده است. چنین است که داستان «پروژه اتمی» را نشانی از تنش بین قدرت‌های امپریالیستی و دولت آمریکا با جمهوری اسلامی می‌نامند در حالی که اتفاقاً این موضوع مدتهاست که به کانالی برای غارت منابع و چاپیدن هر چه بیشتر دسترنج کارگران و خلق‌های تحت ستم ما توسط قدرتهای امپریالیستی بدل شده است. جای تردید نیست که داستان‌های ترسناک مربوط به احتمال تبدیل جمهوری اسلامی به یک «قدرت اتمی» باعث شده تا همین دولت آمریکا به برکت جنجال اتمی جمهوری اسلامی موفق شود با توسعه میلیتاریسم و فضای جنگی در منطقه میلیاردها دلار سلاح به دولتهای عربی خلیج فارس و فراتر از آن خاورمیانه بفروشد. حتی واقعیاتی آشکارتر از این وجود دارند که دال بر پیشبرد سیاست‌های آمریکا توسط جمهوری اسلامی می‌باشد. مثلاً چگونه می‌توانیم نقش جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق و تداوم ۸ ساله آن در جهت منافع غرب و آمریکا را فراموش کنیم و یا چشم بر روی واقعیاتی چون «اکتبر سورپرایز» (معامله ریگان با خمینی جهت عدم آزادی گروگانهای سفارت آمریکا تا روشن شدن نتیجه انتخابات در آمریکا) و «ایران گیت»

شکی نیست که چنین رویدادهای در مقایسه با دورانی که دولت بوش علناً رژیم جمهوری اسلامی را یکی از اجزاء «محور شرارت» قلمداد می‌کرد و هر روز خبری مبنی بر ضرورت توقف غنی‌سازی اورانیوم و به همین دلیل تشدید تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران پخش می‌شد، به معنی فاصله‌گیری سیاست‌های جدید آمریکا از سیاست‌های دوران بوش می‌باشد. اما نکته‌ای که در اینجا باید روی آن تأمل نمود این است که رویدادهای اخیر که احتمال بوجود آمدن تغییراتی در رویه آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی را در خود نهفته دارد باعث دو برخورد متفاوت در میان نیروهای سیاسی گشته است. از یک سو کسانی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی چشم به آمریکا دوخته و تحریم‌ها را نشانه اقدامی از طرف آمریکا برای این منظور تلقی می‌کردند با احساس ناامیدی رویدادهای اخیر را دال بر نزدیکی جمهوری اسلامی و آمریکا به یکدیگر و برقراری دوستی بین آنان به حساب می‌آورند (انگار که بین این دو تاکنون واقعاً دشمنی وجود داشته است!) و از سوی دیگر احتمال تغییر سیاست آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی موجب شادی و شغف کسانی گردیده که چنین جلوه می‌دهند که اگر آمریکا با جمهوری اسلامی رابطه برقرار کند، اگر نگوئیم همه، حداقل بخش بزرگی از مشکلات کشور حل می‌شود. این تفکر این طور جلوه می‌دهد که گویا در ۳۰ سال اخیر جمهوری اسلامی با آمریکا هیچ رابطه‌ای نداشته است و یا از نظر این افراد گویا آن کشورهایی که روابطشان با آمریکا علنی و دوستانه است فاقد آن مشکلاتی هستند که در ایران و زیر سلطه منحوس جمهوری اسلامی شاهد آن می‌باشیم. البته دشمنی امپریالیسم آمریکا با مردم رنج‌دیده سراسر جهان و جنایاتی که این قدرت جهانی در حق توده‌های ستمدیده سراسر جهان مرتکب شده واضح‌تر از آن است که کسانی بتوانند آمریکا را دوست مردم ایران جا بزنند. بنابراین در مورد کسانی که با قبول تبلیغات ظاهری اینطور جلوه می‌دهند که گویا تاکنون مراودات و دیدارهایی بین مقامات دو کشور ایران و آمریکا وجود نداشته و گویا در ۳۰ سال گذشته نه تنها هیچ رابطه‌ای بین دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی برقرار نبوده بلکه برعکس ماهیت روابط آنها را دشمنی و ستیز شکل می‌داده است. باید گفت واقعیات در سی سال گذشته خلاف آن را ثابت می‌کند و در مورد روابط آمریکا با جمهوری اسلامی ریاکارانه‌ترین دروغی که می‌توان گفت همین دروغ بزرگ می‌باشد. واقعیت این است که در ۳۰ سال گذشته دیدارها و روابط سردمداران جمهوری

سی سال گذشته روابط صمیمانه در حین پرخاشگری های ظاهری **ماهیت روابط ایران و آمریکا** را تعیین می کرده است و این واقعیت در تمام این سال ها **قدرت فریبکاری** بزرگی به هر دو طرف بخشیده و وسیله خوبی جهت پیشبرد سیاست هایشان به آنها داده است. از این رو به نظر نمی رسد که آمریکا به سادگی از چنین سیاست استراتژیکی چشم پوشد. و بیشتر این احتمال وجود دارد که اوپاما و دار و دسته اش نیز درست در راستای **همین سیاست** هر چند با **تاکتیک های متفاوتی** همچنان جمهوری اسلامی را به خدمت بگیرند. بر عکس کسانی که بر این باورند و یا چنین جلوه می دهند که با علنی شدن روابط دو طرف و **برقراری مناسبات دیپلماتیک** مشکلات موجود در جهت منافع مردم تا حدی حل خواهد شد باید گفت و تأکید نمود که اولاً هر چه روابط جمهوری اسلامی با آمریکا علنی تر باشد و هر چه همکاری و حرف شنوی ذاتی این همکاری از طرف جمهوری اسلامی آشکارتر باشد قدرت فریبکاری دشمنان مردم ما تضعیف می گردد و این امر از این جنبه که به مردم امکان می دهد که **دشمنانشان** را در چهره های مختلف بهتر بشناسند به نفع مبارزات مردم ما می باشد. ثانیاً شکل بروز روابط امپریالیسم با جمهوری اسلامی هر چه باشد تغییری در ماهیت خود این روابط یعنی **وابستگی** جمهوری اسلامی و نظام اقتصادی حاکم بر ایران به امپریالیسم نمی دهد. بنابراین این واقعیت همچنان به عنوان یک ضرورت مطرح است که مردم ما تا **عامل اصلی استثمار** و غارت خود و فقر و فلاکت ناشی از آن یعنی سلطه نظام سرمایه داری وابسته و سرسپردگی رژیم های سیاسی حافظ آن به امپریالیسم را نشناخته و **جهت نابودی قطعی** آن گام برندارند هرگز به آزادی دست نخواهند یافت.

## جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست

مردم ستم کشیده ایران در جمهوری اسلامی **اصلاح طلب** وجود ندارد چرا که جمهوری اسلامی **اصلاح پذیر نیست** و از ریشه و بن حکومتی ضد مردمی و **ضد ایرانی** است. هر کسی که خود را با این ایده گول بزند شانس دیگری به دشمنان ایران و هواداران بیگانه جمهوری اسلامی و نوکران استعمار و بی شرم آنان برای نابودی ایران می دهد. **تنها راه** نجات و رهایی از جمهوری اسلامی ریشه کن کردن و **سرنگونی** آن است.

(فروش اسلحه از سوی اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی و ارسال منابع حاصل از این امر برای کنترها در **نیکاراگوئه**) ببندیم و به خاطر نیاوریم که همین جمهوری اسلامی بود که در جریان یورش تجاوزگرانه آمریکا به افغانستان و عراق با هر سازی که آمریکا می زد می رقصید و از هیچ کمکی به ارتش آمریکا دریغ نمی کرد.

در حقیقت در روایت کسانی که ظواهر امور را مبنای قضاوت خود قرار می دهند آنچه که اساساً نادیده گرفته می شود و یا آگاهانه کتمان می شود این واقعیت است که به اعتبار نقشی که امپریالیست ها برای جمهوری اسلامی قائل بودند در تمامی این سال ها **پرخاشگری علنی** پوششی جهت کتمان **روابط صمیمانه مخفی** فی مابین دو طرف بوده است. واقعیت جز این نیست که جمهوری اسلامی در تمامی سالهای حاکمیت خویش، به مثابه رژیمی وابسته به امپریالیسم در جهت حفظ و تحکیم **سلطه امپریالیسم** آمریکا در ایران و منطقه هر چه از دستش بر می آمده انجام داده و همواره درست در همان خطی حرکت کرده است که منافع امپریالیسم ایجاب می کرده است.

در تمامی این سالها جمهوری اسلامی از هیچ کوششی برای **حفظ سلطه امپریالیسم** و نظام سرمایه داری وابسته در ایران کوتاهی نکرده و می دانیم که پیشبرد چنین سیاست ضد خلقی ای بدون سرکوب و **کشتار روزانه کارگران** و توده های ستمدیده امکان پذیر نبوده است. اما علیرغم همه این جنایات و برغم **کشتار های دهه ۶۰** و به خصوص قتل عام وحشیانه چند هزار زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷ که برای حفظ نظام حاکم ضروری بوده است، عربده های ضد امپریالیستی سردمداران جمهوری اسلامی به اربابانشان امکان داد تا خود را خارج از این معرکه نشان داده و چنین جلوه دهند که گویا هیچ نقشی در این جنایات نداشته و حتی مخالف سرکوبگریهای دیکتاتوری حاکم بوده اند. پرخاشگری ظاهری در حین همکاری غیر علنی و **فریادهای دروغین** مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم آمریکا همچنین به جنایتکاران حاکم امکان داد تا به خود و رژیمشان چهره ای ضد امپریالیستی داده و چنین جلوه دهند که نه به خاطر حفظ سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته که وظیفه حراست از آن به آنها داده شده است بلکه برای مقابله با **توطئه های امپریالیست ها** و حفظ استقلال خود چنین می کنند. بدون شک با استقرار اوپاما در کاخ سفید بطور طبیعی تغییراتی در سیاست های دولت آمریکا و تاکتیک های آنها در سطح خاورمیانه رخ خواهد داد. اما به این نکته باید توجه کرد که در

**سفارت انگلیس** در اراک بود به جای رهبر و امام برای مردم بیچاره ایران جا زدند.

جمهوری اسلامی ساختند تا ما را از پیشرفت برق آسا بازدارند جمهوری اسلامی ساختند تا شما را **سرکوب** کنند. جمهوری اسلامی ساختند تا شما را **تهیدست** و گشنه نگه دارند. جمهوری اسلامی ساختند تا **جهل و خرافات** را بر شما حاکم کنند.

جمهوری اسلامی ساختند تا نخبگان این سرزمین را قتل عام یا مجبور به **ترک میهن** کنند. و به نزد اربابان جمهوری اسلامی فرستند تا برای لقمه نانی به بیگانگان خدمت کنند و کشورهای آنان را آباد کنند.

جمهوری اسلامی ساختند تا جنگ راه بیاندازند و **صدام** حرامزاده تکریتی نوکر دیگر استعمار را به جان میهن و مردم بی گناه ما بیندازند ...

... جمهوری اسلامی ساختند تا **جنگ** را **هشت سال** به درازا بکشند و بهترین، برومندترین، دلیرترین، پاکترین و میهن پرستترین **فرزندان ایرانزمین** را دسته دسته و به عمد و با حساب **جنایتکارانه** به شهادت برسانند. تا این شهیدان میهن مقدسمان را شهیدان راه اسلام و **جمهوری فاسد اسلامی** جا بزنند.

تا خانواده های بیچاره و بیگناه آنان کورکورانه از **رژیم شیطانی اسلامی** دفاع کنند. تا سردمداران جنایتکار و بوناک جمهوری اسلامی بر تخت مفتخوری و **هرزگی شرم آور** خود چند دم دیگر سوار بمانند.

جمهوری اسلامی ساختند. تا ایرانی را در برابر ایرانی قرار دهند تا ما برادر کشی کنیم و بیگانگان ثروتهایمان را غارت کنند. جمهوری اسلامی ساختند. تا مردم ایران را که یکی از **متمدن ترین و آزاده ترین** مردمان جهان است، **وحشی و آدمکش** و ضد آزادی و ضد بشر و جنگ افروز جا بزنند. تا اربابان جمهوری اسلامی همان شرکتهای چند ملیتی، ایران را به وسیله کشورهای دیگر **تحریم اقتصادی** کنند. و شما را مجبور کنند بهای هر چه که می خرید به صد برابر بدهید. و هنگامی که جهان چهار تاخت به پیش می رود ما در **فقر و جهل** و فلاکت و اعتیاد و ظلم برای زنده ماندن دست و پا بزنیم.

تنها دشمنی که جمهوری اسلامی، با آن می جنگد، ما مردم ایران هستیم. و جمهوری اسلامی **عامل سرکوب و نابودی** ماست. سر سخن با شما کسانی است که **گول اربابان** جمهوری اسلامی را خورده اید و نمی بینید که جمهوری اسلامی اهرمی در دست بیگانگان برای **سرکوب** شما است.

از خود بیرسیم اگر فاجعه جمهوری اسلامی بوجود نمی آمد؟ آیا فقر، گرانی، اعتیاد، فحشا، رشوه خواری، بیکاری، گشنگی، خیانت، بر باد دادن در آمدهای ملی، رشوه خواری، تحریم اقتصادی، تحقیر مردم ایران، جنگ، خرابی، مهاجرت، خارجی پرستی، شهوت پرستی، در به دری، فساد، بی خانمانی، ریا، دروغ، بی بندوباری، نوکری بیگانه، زندان، اعدام، خودکشی، تجزیه طلبی، برادرکشی، پول پرستی، ترور، قتلهای زنجیره ای، بی ناموسی، بی دینی، شلاق، سنگسار، قطع عضو، شکنجه، ناامیدی، تفرقه، چپاول دارایی های ملی، هرزگی، نابود کردن آثار باستانی، خرافه پرستی، معلول جنگی، سوخته شیمیایی، و بالاتر از همه اینها هزاران هزار فرزند برومند و پاک ایرانزمین که با ادامه بی پایه جنگ پر شده اند، بوجود می آمدند؟ هر کسی که به اندازه سر سوزن خرد و **شرافت** داشته باشد به این پرسش پاسخ می دهد :

« نه »

... جمهوری اسلامی اهرمی در دست بیگانگان برای سرکوب ما مردم ایران است. تا بدین ترتیب شرکتهای چند ملیتی بیگانه با دست باز به **غارت ثروتهای سرشار** زیرزمینی میهن مقدسمان بپردازند. نفت، گاز، طلا، مس، آهن، اورانیوم و هزار و یک ثروت دیگر ایرانزمین و ما مردم ستمکشیده ایران.

جمهوری اسلامی طبل مبارزه با **استعمار و استثمار** و غارتگران غرب و شرق را می زند و بسیار گرد و خاک و جار و جنجال می کند تا شما مردم را فریب دهد. حال آنکه خود نوکر **بیگانگان** است.

از خود بپرسید با این همه هیاهو و جار و جنجال جمهوری اسلامی تاکنون چه کاری بر **ضد منافع بیگانگان** و شرکتهای چند ملیتی که سی سال است پیوسته به غارت ثروتهای ملی ما مشغولند کرده است؟ هر کسی که به اندازه سر سوزن خرد و شرافت داشته باشد به این پرسش پاسخ می دهد :

« هیچ »

تنها گناه ما مردم ایران داشتن یکی از **ثروتمندترین** کشورهای جهان از نظر منابع زیرزمینی است. به این خاطر استعمارگران هرگز نمی خواهند ایران **مستقل** باشد و ایرانی روی **آزادی و آبادی** را ببینند.

پس **خمینی** پسر یک سیک هندی را که برای کمپانی استعماری انگلیس هند شرقی کار می کرده و سپس مستخدم

ملاها مفت خور و حقه باز را که تاکنون کاری بجز گمراه کردن مردم و نوکری بیگانه نکرده اند **ریشه کن** کند.

بیگانگان رنگ و وارنگ و **نوکران وابسته** ایشان و سردمداران نادان جمهوری اسلامی بدانند توفان خشم مردم سیه روز ایران بزودی تبرگونه دست چرک آلود ایشان را از میهن مقدسمان قطع خواهد کرد.

در جمهوری اسلامی **انتخاباتی** وجود ندارد و این **نمایشهای مضحک** تنها برای گول زدن شما و دیگر مردم جهان برپا می شود تا **سردمداران حقه باز** و دروغگوی جمهوری اسلامی بتوانند مهره های جاهل و نادان و یا جیره خوار و فاسد شرکتهای چند ملیتی را بار دیگر بر جان و مال و ناموس شما حاکم کنند.

در **قانون اساسی** جمهوری اسلامی مردم ایران « امت الاسلام » نامیده می شوند یعنی برای آنان ما همان درجه حیوانات و چهارپایان را داریم، پس رأی شما برای جمهوری اسلامی کوچکترین ارزشی ندارد. از شما تنها برای **نمایش انتصابات نوکران** خود استفاده می شود.

در جمهوری اسلامی **اصلاح طلب** وجود ندارد، اصلاح طلبهای جمهوری اسلامی دسته دیگری از حقه بازان و دروغگویان و نوکران دیگر استعمارند. و استعمارگران از همان زمان **خاتمی خائن** و **دروغگو** این حقه بازی را راه انداختند اما حنایشان برای مردم ایران دیگر رنگی ندارد.

تنها هدف اصلاح طلبان در جمهوری اسلامی نگهداشتن و **حفظ جمهوری اسلامی** و **گول زدن مردم** و خاموش کردن آتش خشم مردم است تا منافع اربابان استعمارگرشان در **غارت ایران** همچنان برقرار بماند.

همه **نیروهای مسلح** در کشور باید از سرکوب مردم سر باز زنند و سلاح را به سوی **دشمن اصلی** یعنی ملاها و سردمداران دزد و خائن جمهوری اسلامی برگردانند. و به مردم بپیوندند.

مردم ایران امروز روز آزمایشی دیگر فرا رسیده است از همه فرزندان ایران می خواهیم که با همه نیرو، نمایش انتصابات را **تحریم** کنند. حتی در روز **نمایش انتصابات** از خانه خود نیز خارج نشوید. تنها با **مبارزه مستقیم** و حرکت شما در ایران می توان **رژیم پوسیده ملاها** را سرنگون کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد ایران

دروود بر روان پاک یکایک شهیدان جنگ و دفاع از وطن و روان همه قربانیان جمهوری جهل اسلامی.

اندکی بیندیشید تا کی اجازه می دهید که اینچنین ما را به خاک و خون بکشند. ای مردم بزرگ ایران **غیرتمان کجا رفته** است تا کی اجازه دهیم دختران پاک میهنمان را به لجنزارهای امارات متحد عربی و دیگر کشورهای همانند آن ببرند و بفروشند. مردمان نادانی که به امید بیگانگان نشسته اند بدانند در این **جنگ زرگری** همه بیگانگان با جمهوری اسلامی همکار و همراه هستند. و تنها قربانی ایشان ما مردم ایران هستیم و تنها چیزی که می خواهند غارت هرچه بیشتر ثروتهای ما مردم ایران است. تنها راهی که **بیگانگان** بجز پشتیبانی و حفظ وضعیت موجود به شما پیشنهاد می کنند این است که صد میلیون تن **بمب** را با همکاری جمهوری اسلامی بر سر ما مردم ایران بریزند و ایران را به کلی نابود کنند تا هم کارخانه های اسلحه راکد ایشان به راه بیفتد و هم دوباره جمهوری اسلامی سی سال دیگر در راستای **غارت منابع سرشار** میهنمان بر سر قدرت بماند و شرکتهای چند ملیتی و **نوکرانشان** با راحتی بیشتر هستی ما را به تاراج ببرند و به این روش تنها سد در برابر ایشان که همانا مردم ایران و صاحب اصلی ثروت است را از سر راه خویش بردارند.

تا کی نشسته اید که تا شاید آه آتشناک و سوز سینه شبگیر مظلومیت شما که آهن را ذوب می کند بر دلهای سنگین و چرکین **دشمنان مردم ایران** اثر کند.

پس تنها می توانیم روی خودمان و مردمان حساب کنیم. به خود آید تنها یک راه پیش روی ما است. و آن ریشه کن کردن **جمهوری ظلم و دروغ** و فساد اسلامی است.

آیا خواستار ادامه وضع موجود هستید؟

یا می خواهید به **شکوه و بزرگی** و ثروت و رفاه و امنیت و اقتدار و احترام و خوشی و فراوانی و دوستی و مهربانی و پیشرفت و آزادی گذشته دست یابید؟

حال **ساعت انتخاب** فرا رسیده است. برای همه **ایرانیان راستین** و مردمان آزاده یک راه بیشتر برجای نمانده است.

ایران به شما و یکایک فرزندان شما نیاز دارد.

امروز سخنانی به شما گفته شد که در هیچ رسانه و رادیو و تلویزیون داخلی و خارجی که اکثر آنها به دست بیگانگان و با پول بیگانگان برای گول زدن و سرگرم کردن شما به کار می روند نمی بینید و نمی شنوید.

مردم بزرگ ایران زمان آن فرارسیده است که بغض سی سال درد و رنج و **مظلومیت** شما که به ناله بدل گشته، فریادی رعد آسا شود و **بنیاد حکومت خون آشام** جمهوری اسلامی و

سه شنبه، ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۰۹

## خبرها

سه شنبه، ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۰۹

### واردات ۲/۵ برابر شد

روزنامه سرمایه: مقایسه میزان واردات کالا در دوره چهارساله دولت احمدی نژاد و دوره هشت ساله دولت خاتمی نشان می دهد مجموع واردات سال های ۸۷-۱۳۸۴ به میزان ۲۱۳ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با واردات ۱۶۶/۵ میلیارد دلاری دو دوره دولت خاتمی طی هشت سال ۸۳-۱۳۷۶ بیانگر افزایش ۴۶/۵ میلیارد دلاری (معادل ۲۸ درصد) است. به عبارت دیگر واردات در دولت نهم ۲۸ درصد بیش از مجموع واردات دولت های هشتم و هفتم بوده است. همچنین در صورتی که متوسط واردات سالانه را مقایسه کنیم متوسط واردات سالانه دولت احمدی نژاد ۵۳/۲۵ میلیارد دلار و متوسط واردات سالانه دولت خاتمی ۲۰/۸ میلیارد دلار بوده است. بر این اساس متوسط واردات سالانه دولت احمدی نژاد ۲/۵ برابر متوسط واردات سالانه دولت خاتمی بوده و متوسط واردات در دولت نهم نسبت به متوسط واردات سالانه در دولت های هشتم و هفتم ۱۵۶ درصد رشد داشته است.

همچنین در صورتی که واردات در چهار سال دوم دولت خاتمی و چهار سال دولت احمدی نژاد مقایسه شود آمارها حکایت از آن دارد که کل واردات در چهار سال

۱۳۸۷-۱۳۸۴ دولت احمدی نژاد ۲۱۳ میلیارد دلار بوده که نسبت به کل واردات چهار سال ۱۳۸۳-۱۳۸۰-چهار سال آخر دولت خاتمی- که به میزان ۱۰۹/۶ میلیارد دلار بوده حدود ۹۴ درصد رشد کرده است و کل واردات چهار سال گذشته تقریباً دو برابر کل واردات چهار سال قبل از آن بوده است. به عبارت دیگر عملکرد دولت احمدی نژاد در شرایط افزایش شدید درآمد نفت موجب شد میزان واردات در چهار سال اخیر ۸۷-۱۳۸۴ تقریباً دو برابر واردات سال های ۸۴-۱۳۸۰ و دوره دوم دولت خاتمی باشد. به گزارش روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی میزان واردات در سال ۸۷ نزدیک به ۵۶ میلیارد دلار بوده و آمار دقیق آن نشان می دهد ۴۳ میلیون و ۹۸۳ هزار تن کالا به ارزش ۵۵ میلیارد و ۸۴۹ میلیون دلار طی سال گذشته وارد کشور شده است.

### میزان بیکاری جوانان افزایش یافت

ایرنا: میزان بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در زمستان سال گذشته افزایش یافت و طی چهار فصل سال گذشته از ۲۰/۳ به ۲۷/۴ درصد رسید. به گزارش مرکز آمار ایران، طی سال گذشته میزان بیکاری جوانان منحنی سینوسی را طی کرد به طوری که از یک روند ثابتی برخوردار نبوده است. معاون توسعه مرکز آمار ایران «علیرضا زاهدیان» پیش بینی کرده بود موج دوم بیکاری به دلیل مولید دهه ۶۰ که هم اکنون پس از اتمام تحصیلات وارد بازار کار کشور می شوند در راه است.

آدینه، ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ مه ۲۰۰۹

### ضرب و شتم یک دختر دانشجوی در دانشگاه آزاد رودهن

ورود نیروی انتظامی به دانشگاه آزاد رودهن و ضرب و شتم یک دختر دانشجوی

خبرنامه امیرکبیر: روز دوشنبه، ۷ اردیبهشت ماه، به هنگامی نیروی انتظامی شهر رودهن با مستقر شدن در مقابل دانشگاه آزاد این شهر از توقف دانشجویان در مقابل دانشگاه جلوگیری می کرد، درگیری های بین دانشجویان و انتظامات و حراست این واحد دانشگاه آزاد روی داد.

مامورین نیروی انتظامی از ایستادن دانشجویان در ترمینال تاکسی و کتاب فروشی های مقابل دانشگاه ممانعت به عمل آورده و ضمن چک کردن کارت دانشجویان با برخوردی توهین آمیز و خشونت آمیز سعی در متفرق نمودن آنان داشتند. تلاش مامورین برای بازداشت خواهر و برادری با مقاومت آنان روبرو شده و پس از پناه بردن این دو دانشجو به داخل دانشگاه و در پی آن ورود نیروی انتظامی به دانشگاه، حضور دانشجویان و اعتراضات شدید آنان ماموران انتظامی را ناچار به خروج از دانشگاه نمود. در تمام این مدت که نیروی انتظامی با الفاظی رکیک به دانشجویان به ویژه دختران دانشجو توهین می نمود و نیروی های حراست و انتظامات این دانشگاه هیچ گونه حمایتی از دانشجویان در مقابل ورود نیروی انتظامی که به باتوم و گاز اشک آور مجهز بودند به عمل نیارود و تنها نظاره گر صحنه بود و حتی در بعضی موارد به تهدید دانشجویان می پرداخت و به متفرق کردن دانشجویان می پرداخت.

در ادامه این وقایع، انتظامات و حراست دانشگاه به همراه شخص رئیس حراست که در صحنه حضور داشت حجاب و

کنند اما دولت جمهوری اسلامی تاب هیچگونه آزادی را ندارد. دولت بیش از ۵ هزار نفر را برای به هم زدن این مراسم روانه پارک لاله کرده بود. یورش نیروهای انتظامی و حمله به کارگران یکبار دیگر نشان داد سران دولت تحمل هیچگونه آزادی را ندارند. برای آنها حقوق انسان هیچ معنی و مفهومی ندارد. حمله نیروهای انتظامی به کارگران به حدی وحشیانه بود که حتی دولت هیتلری هم به پای آن نمی رسد. به محض دستگیری یک نفر دهها مامور انتظامی و لباس شخصی در حضور مردم و کودکان کارگران را مورد ضرب و شتم قرار می دادند دستگیریها در پارک لاله توسط نیروهای انتظامی برای سرکوب کارگران همچنان ادامه دارد. نیروهای انتظامی هراسان در پی دستگیری کارگران می باشند.

شنبه، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۰ آوریل ۲۰۰۹

### مادربزرگ اواما به سفر حج می رود



روزنامه آمریکایی « دلی نیشین » پیش از این اعلام کرده بود که بنا بود، غسل تعمید ساره اواما طی مراسمی در کنیا برگزار شود و به همین منظور چند کشیش با وی ملاقات کرده اند تا وی را به تغییر مذهب قانع کنند اما موفق نشده اند. پایگاه خبری اسلام آنلاین نوشت: « ساره اواما » مادر بزرگ باراک اواما رئیس جمهور آمریکا، امسال به همراه پسرش با هزینه یک تاجر اماراتی به حج می رود.

اسلام آنلاین به نقل از شبکه سی ان ان. افزود: این تاجر اماراتی که به منزل مادر بزرگ پدری اواما در منطقه « کوقیلو » کشور کنیا رفته بود، به وی پیشنهاد داد تا به همراه پسرش (عموی اواما) برای ادای مناسک حج به مکه برود.

قرار است، ساره اواما و پسرش امسال در موسم حج راهی مکه شوند. مادربزرگ اواما همچنین با تکذیب شایعات مربوط به

پوشش دختران دانشجو را بررسی کرده و با دانشجویان برخورد کردند که در نتیجه این برخوردها یکی از دختران دانشجو توسط انتظامات از ناحیه بینی به شدت مجروح شده و بینی وی خونریزی شدیدی کرد به حدی که ماموران انتظامات و حراست با نگرانی سریعا وی را به هلال احمر دانشگاه منتقل می کنند. گفتنی است بر طبق گفته شاهدان عینی و دانشجویان حضور نیروی انتظامی با چندین دستگاه خودرو در مقابل دانشگاه آزاد واحد رودهن دلیل خاصی نداشته است. همچنین گشت ارشاد همه روزه به طور منظم در مقابل درب این دانشگاه استقرار می یابد و محدودیت ها و مزاحمت هایی را برای دانشجویان فراهم می آورد.

لازم به ذکر است که برخورد های این چنینی در دانشگاه آزاد در گذشته نیز وجود داشته است. پیش از این نیز در همین واحد دانشگاهی دانشجوی دختر دیگری توسط ماموران زن و مرد انتظامات مورد ضرب و شتم و بازرسی بدنی قرار گرفته بود که در پی آن دکتر حیدری رئیس دانشگاه آزاد واحد رودهن قول پیگیری ماجرا و عدم تکرار آن را در آینده داده بود که از قرار معلوم اینگونه نشده است.

آدینه، ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ مه ۲۰۰۹

### یورش وحشیانه مزدوران رژیم به کارگران در پارک لاله



گزارش دریافتی: مراسم روز کارگر که بنا بر دعوت تشکلهای کارگری قرار بود امروز در پارک لاله تهران برگزار شود با یورش بیش از ۵ هزار از نیروهای انتظامی به هم خورد. بیش از ۵ هزار از نیروهای انتظامی که از ساعت اولیه روز کارگر در اطراف پارک لاله و خیابانهای آن مستقر شده بودند حدود ساعت ۶ به کارگران در پارک حمله کردند و با ضرب و شتم دهها نفر از کارگران را دستگیر و با خود بردند. کارگران ایران آماده بودند مستقل از دولت خودشان با خانواده هایشان روز جهانی کارگر را در پارک لاله تهران برگزار

دوشنبه، ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۴ مه ۲۰۰۹ 04

### دستگیری معلمان در برابر وزارت آموزش و پرورش

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی دستگیری معلمان در برابر وزارت آموزش و پرورش رسول بداقی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران، صبح امروز در پی حضور در تجمعی در برابر وزارت آموزش پرورش بازداشت شد. هنوز از محل بازداشت وی اطلاعی در دست نیست اما گفته می شود این بازداشت به علت تلاش های او در پیگیری حقوق معلمان روی داده است. تجمع معلمان در برابر وزارت آموزش پرورش، همانند تجمع ۱۱ اردیبهشت کارگران، با ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی روبرو شد و معلمان موفق نشدند این تجمع را برگزار کنند.

بر اساس خبرهای رسیده به کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی و بر اساس گزارش شاهدان عینی، علاوه بر رسول بداقی چند نفر دیگر در برابر وزارت آموزش و پرورش دستگیر شده اند که هنوز هویت آنها روشن نیست. بر اساس قوانین داخلی و بین المللی برگزاری تجمع آزاد است و مقامات امنیتی و انتظامی باید هرچه سریعتر دستگیر شدگان را آزاد کنند.

دوشنبه، ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۴ مه ۲۰۰۹

### تجمع اعتراضی معلمان در کرمانشاه



کرمانشاه پست - روز دوشنبه حدود ۲۰۰ نفر از معلمان کرمانشاه در سازمان آموزش و پرورش این شهر تجمع اعتراضی آرامی را برگزار کردند. این تجمع در پاسخ به فراخوان کانون صنفی معلمان کشور و در اعتراض به عدم اجرای لایحه خدمات کشوری صورت پذیرفت. اعتراض معلمان کرمانشاه در حالی برگزار شد که در روزهای گذشته اعضای شورای مرکزی کانون صنفی در کرمانشاه تهدید و یا از اجرای تحصن و اعتراض منع شده بودند. تجمع اعتراضی دوشنبه در کرمانشاه با حضور گسترده

تغییر دین خود به مسیحیت، تأکید نمود که مسلمان است و تا آخر عمر مسلمان باقی خواهد ماند.

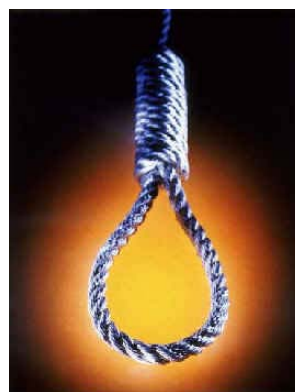
روزنامه آمریکایی «دیلی نیشن» پیش از این اعلام کرده



بود که بنا بود، غسل تعمید ساره اوباما طی مراسمی در کنیا برگزار شود و به همین منظور چند کشیش با وی ملاقات کرده اند تا وی را به تغییر مذهبش قانع کنند اما موفق نشده اند. به نوشته اسلام آنلاین، در کشور کنیا مسلمانان، مسیحیان و اقلیت هندو در کنار یکدیگر بدون تنش زندگی می کنند.

یکشنبه، ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳ مه ۲۰۰۹

### ۱۳۰ نوجوان زیر ۱۸ سال در انتظار اعدام



سایت روزآنلاین: در آخرین واکنش ها نسبت به اجرای احکام مرگ در ایران، کانون مدافعان حقوق بشر با صدور اطلاعیه ای خواستار توقف اعدام افراد برای ارتکاب جرم در سن زیر ۱۸ سال شد، و فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر با برگزاری یک

کنفرانس مطبوعاتی در پاریس به افشای آمار رو به افزایش اجرای حکم اعدام در جمهوری اسلامی پرداخت.

اطلاعیه کانون مدافعان به دنبال آن صادر شد که «دل آرا دارابی» که گمان می شد خانواده اش بتوانند رضایت اولیای دم را برای رهایی وی از اعدام جلب کنند ساعت ۶ صبح روزجمعه و درغیاب رییس قوه قضاییه که به کشور بلاروس سفر کرده، به طناب دار آویخته شد.

براساس اطلاعیه کانون مدافعان حقوق بشر «در سه سال گذشته ۳۲ کودک در جهان اعدام شده اند که ۲۶ مورد آن در ایران بوده است. به گونه ای که در سال ۱۳۸۷، شش نوجوان در ایران اعدام شدند و هم اکنون ۱۳۰ نوجوان زیر ۱۸ سال با دریافت حکم اعدام، در مسیر اجرای حکم قرار دارند.»

ارشدترین مقام اسرائیلی با پرزیدنت اوباما از هنگام آغاز دوران ریاست جمهوری او خواهد بود که قرار است زمینه ساز دیدار دو هفته دیگر بین رئیس جمهوری ایالات متحده با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل باشد.

« رژیم ایران به جای باروری فرهنگ جهانی، به غنی سازی اورانیوم روی آورده است »

پرزیدنت پرس در سخنرانی خود در همایش ایپاک، در رابطه با برنامه های اتمی حکومت ایران گفت: « شوربختانه اکنون ما دوباره در خاورمیانه با مشیت گره کرده روبرو می شویم. بر این باور بودیم، و امید داشتیم که زمان واژه های سخت سپری شده باشد. قربانیان بسیار دادیم به این امید که تصور می کردیم رسیدن به صلح واقعی امکان پذیر است. ولی شوربختانه، خاورمیانه دوباره خود را در زیر سایه تهدید اتمی می یابد. ما مایوس نخواهیم گردید و تسلیم نخواهیم شد.»

پرزیدنت پرس در ادامه سخنان پیشین خود که گفت « آن که صلح می خواهد خود را در تاریخ جوان خواهد ساخت » افزود: « رهبران تعصب گرای کنونی ایران در آن سوی نادرست تاریخ قرار دارند، در واقع، آن ها خود را از تاریخ کنار گذاشته اند.» رئیس جمهوری اسرائیل گفت: « ما ملت ایران را ارج می نهیم و فرهنگ آن را پاس می داریم. ایران در طول تاریخ همیشه کوشیده است فرهنگ انسانی را غنی تر سازد، ولی شوربختانه رهبران کنونی ایران اورانیوم را غنی می کنند. خوی تعرض گرایانه حکومت کنونی ایران تنها علیه اسرائیل نیست. بلکه آنان می خواهند رهبری سراسر منطقه را به دست گیرند و با وحشت فکنی و اجبار بر کشورهای عرب نیز مسلط شوند.»

پرزیدنت پرس گفت: « آنها اکنون در تلاش ایجاد گزینه هسته ای هستند. بودجه های کلانی را برای تولید موشکهای دوربرد هزینه می کنند - و این در حالی که هیچ کشوری ایران را تهدید نمی کند. ایران برای حزب الله و حماس پول می فرستد و آنها را مسلح می کند، تا شکاف و ترور بیافریند و با دست یازیدن به خشونت بتواند خود را بر ملت های دیگر تحمیل کند. مزدوران حکومت ایران، آمریکائیان و اروپائیان و اعراب را هدف قرار می دهند.» از نظر تاریخی، همیشه سخن از جدائی دین از دولت در میان بوده است. ولی امروز چالش اصلی، جدائی دین از ترور است. به پروردگار عالم سوگند که جنگ بس است. قربانی بس است. کشته کافی است، خون ریزی متوقف شود.»

پنجشنبه، ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۷ مه ۲۰۰۹

### در پی تهدید کشورهای عربی نام خلیج فارس حذف شد

در پی تهدید کشورهای عربی: نام خلیج فارس و ایران از پوستر بازیهای کشورهای اسلامی حذف شد

مأموران امنیتی و انتظامی انجام پذیرفت که حضورشان در اطراف پارک معلم و سازمان آموزش و پرورش به تعداد زیاد و امکانات مجهز کاملا مشهود و حکایت از جو امنیتی گسترده ای می داد.

معلمان معترض از وضعیت معیشتی خود گله مند بودند. یکی از آنها در پاسخ به سخنان فرمانده نیروهای انتظامی مستقر در محل که شرایط کشور را مناسب برای چنین حرکت های اعتراضی ندانست و خواستار پایان تجمع شد گفت: وضعیت معلم روز به روز بدتر می شود و همسر و فرزندان مان ضعیف تر می شوند و در حال نابودی هستیم. در این هنگام یکی از نیروهای انتظامی با این معلم معترض برخورد فیزیکی می کند که با مقاومت فرهنگیان مواجه شده و تنش گسترده ای را بوجود آورده که با میانجی گری اعضای کانون صنفی این تنش پایان پذیرفت.

در ادامه، رئیس سازمان آموزش و پرورش خواستار ملاقات و گفتگو با معترضان در مسجد سازمان شد که معلمان حاضر در محل از حضور در مسجد برای گفتگو خودداری کردند و اعلام کردند تا زمان تحقق خواسته هایشان به اعتراضات خود ادامه می دهند. اعتراض فرهنگیان کرمانشاه در حالی انجام می شود که روز یکشنبه شعبانی از نمایندگان کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی ضمن گله مندی از وضعیت نامطلوب معلمان در زمینه مسکن و مشکلات مالی از اجرایی شدن نظام هماهنگ پرداخت حقوق تا آخر هفته جاری خبر داده بود.

سه شنبه، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۵ مه ۲۰۰۹

### نتانیاهو گروه مشاوران پرونده رژیم تهران تشکیل داد

روزنامه اسرائیلی هآرتص نوشت نخست وزیر اسرائیل گروه مشاوران خود برای رسیدگی به پرونده رژیم تهران را تشکیل داده است. به نوشته این روزنامه، در گروه مشاوران نخست وزیر اسرائیل از جمله وزرای دفاع و امور خارجه و همچنین مقامات اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل حضور دارند. هآرتص نوشت نخست وزیر اسرائیل در دیدار آتی خود با رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن، پرونده رژیم تهران را به طور خاص مطرح خواهد کرد.

سه شنبه، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۵ مه ۲۰۰۹

### بحران رژیم تهران؛ دیدار سران آمریکا و اسرائیل در واشنگتن

سایت فارسی وزارت خارجه اسرائیل <http://hamdami.com>

دیدار تاریخی بین رؤسای جمهوری ایالات متحده و اسرائیل، تا ساعاتی دیگر در کاخ سفید واشنگتن صورت خواهد گرفت. دیدار امروز (سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ - ۵ مه ۲۰۰۹) نخستین ملاقات بین

یکشنبه، ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۰ مه ۲۰۰۹

**از هفته گذشته تاکنون ۲۳ زندانی در ایران اعدام شدند**

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

بنابه گزارشات رسیده از زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) یکی از ۳ زندانی که روز گذشته جهت اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی منتقل شدند صبح روز یکشنبه اعدام شد. زندانی که صبح امروز اعدام شد محمود کریمی که ۲۷ ساله می باشد نام داشت. ۲ زندانی دیگر که دیروز به سلول انفرادی منتقل شدند همچنان در سلولهای انفرادی بسر می برند و در انتظار اعدام بسر می برند. زندانیانی که در انتظار اعدام بسر می برند به نامهای حسین باقری ۳۲ ساله و علیرضا ملک محمدی ۳۵ ساله می باشند. همچنین روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۲ زندانی دیگر برای اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی منتقل شدند.

از هفته گذشته تا به حال ۲۳ زندانی در زندانهای مختلف ایران اعدام شده اند. به نظر می آید که برای هر چه بیشتر ایجاد کردن رعب و وحشت در بین مردم که خواهان حقوق خود هستند زمانهای اعدام که در هفته های اخیر بصورت هر هفته به اجرا در می آمد به چند روز در هفته تبدیل شده است. سیاست های سرکوب گسترده و اعدام های گروهی و مستمر توسط ولی فقیه مطلقه این رژیم علی خامنه ای تعیین می شود. به دستور و تایید شاهرودی رئیس قوه قضائیه به اجرا گذاشته می شود. احکام ضد بشری اعدام زندانیان سیاسی، اعدام کودکان، اعدام های گروهی و سنگسار، دستگیریهای گسترده و سرکوب فعالین دانشجویی، زنان و کارگران برخلاف قوانین و معاهدات بین المللی است که این رژیم ملزم به اجرای آن است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، اجرای حکم اعدام امروز و انتقال زندانیان بیشتری برای به اجرا در آوردن احکام ضدبشری اعدام را محکوم می کند و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و مراجع بین المللی خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به موج اعدامها در ایران است.

**فرزندان ایرانزمین در تکبیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.****Organisation PARS****B.P 6593****75065 Paris Cedex 2 – France****www.sazmanepars.com****Email : sazmanepars@aliceadsl.fr****iran-info@aliceadsl.fr**

سایت جمهوری: در حالی که با تصویب شورای انقلاب فرهنگی، دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس به تقویم ایران اضافه شده است، دولت نهم و این بار در عرصه ورزشی از موضع ایران مبنی بر نام جاودانه خلیج همیشه فارس عقب نشست و موضع اعراب را در نامگذاری مجعول تقویت کرد.

قضیه از آنجایی شروع شده است که ایران میزبانی بازیهای کشورهای اسلامی را برعهده گرفته است و طبق عرف بین المللی طراحی و چاپ پوسترها از اختیارات میزبان می باشد. در همین راستا مسئولین پوسترهایی با نقشه ایران از جمله خلیج فارس تهیه و چاپ کرده و مدال های این مسابقات را نیز بر مبنای نقشه کشورمان طراحی می نمایند.

روز ششم اردیبهشت گروهی به سرپرستی عربستان برای نظارت بر چگونگی انجام این بازیها به ایران می آیند و با سازمان تربیت بدنی به گفتگو می نشینند و در این گفتگو با وقاحت تمام از ایران می خواهند نام خلیج فارس را از نقشه پاک و بجای آن نام خلیج(ع ر ب ی) بگذارند و تهدید می کنند در صورت عدم انجام این کار کشورهای عربی از حضور در این بازی ها انصراف خواهند داد. با آنکه انتظار می رفت نمایندگان سازمان تربیت بدنی همان لحظه پاسخی دندان شکن به اعراب بدهد اما سازمان تربیت بدنی طی نامه ای به احمدی نژاد کسب تکلیف می کنند.

حداقل انتظار از رئیس جمهور این بود که با رد این درخواست وظیفه خود را در برابر تمامیت ارضی ایران به انجام برساند. اما نتیجه این نامه نگاری چنین می شود که نام خلیج فارس از روی نقشه ایران در پوسترها حذف می شود تا طراح مورد تائید کشورهای عربی قرار بگیرد.

این در حالی است که در سال ۱۹۹۱ وقتی سازمان ملل در چند سند داخلی از خلیج فارس با عنوان دیگری نام می برد با واکنش دولت وقت مجبور می شود با اذعان بر سهوی بودن این موضوع رسماً از ایران عذرخواهی کند (سند ۲۶ ژوئن ۱۹۹۱) اما امروز، دولت آقای احمدی نژاد که مدعی است کشور در اوج! منزلت و اقتدار قرار داریم حتی در برابر گستاخی چند کشور عربی نه فقط واکنش مناسبی نشان نمی دهد بلکه با حذف نام خلیج فارس از نقشه ایران بار دیگر از موضع ایران عقب نشینی می کند. البته آقای محمد هادی حسام، معاون سازمان تربیت بدنی برای توجیه این مسئله در اظهار نظری جالب گفته است نگران نباشید نام ایران نیز در این طرح حذف شده است و همینکه خلیج فارس در نقشه وجود دارد یعنی مالکیت آن برای ایران است: « ما در بالای نقشه دوبار نام الله را که بالاترین نامها است درج کرده ایم و باید به این نکته هم توجه داشته باشید که نام ایران نیز درج نشده و همین که تصویر خلیج فارس در نقشه موجود در پوستر وجود دارد، بیانگر حاکمیت ایران بر این حوزه است. »

برون سراز این بارننگ آوریم

بیاتابوئیم و جنگ آوریم